

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
ویرایش عکس: کامبیز نویدی، صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶

تلفن: ۲۳۰۲۳۶۲۳

نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارک وی، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

همشهری

گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،
سرخ و محله

همشهری

پاسخ‌های پتان را از طریق پیامک
به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال
کنید. به ۳ نفر از افرادی که
پاسخ درست را ارسال کرده
باشند به قید قرعه کارت هدیه
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.



معمای
جنایی
سرقت
ساختگی

پاسخ معمای شماره ۱۱

در معمای جنایی شماره قبل اشاره شد که فردی در خودرواش با شلیک گلوله
به قتل رسیده است اما هیچ آثاری از شیشه خرد شده وجود نداشت. این
موضوع به این دلیل بود که خودروی مقتول کروک بود.

برندگان

۰۹۱۲۲۲۰۹

۰۹۰۳۸۳۵۸

۰۹۱۲۴۲۳۹

برنده کارت هدیه

۵۰۰ هزار تومانی

شدند.

شیشه اتاق خواب شکسته و به نظر می‌رسید که سارق یا سارقان از این طریق
وارد شده‌اند. از طرفی چند تکه شیشه کوچک داخل اتاق ریخته شده بود. در
همین حال وقتی کارآگاهان به پرس و جو از همسایه‌ها پرداختند آنها گفتند
که زن و شوهر جوان زندگی معمولی دارند و بعید است که ۷ میلیارد تومان دلار
و طلا در خانه‌شان داشته باشند. از طرفی آنها هیچ غریبه‌ای را هنگام ورود یا
خروج از خانه شاکیان ندیده بودند و فقط همسایه طبقه سوم صدای شکسته
شدن شیشه را شنیده بود.

وقتی بازلهای این معما کنار یکدیگر چیده شد کارآگاهان به این نتیجه رسیدند
که سرقتی اتفاق نیفتاده، بلکه زن و شوهر جوان قصد صحنه‌سازی دارند و ماجرا
یک سرقت ساختگی است. اما کارآگاهان چطور به چنین نتیجه‌ای رسیدند و
مهم‌ترین سرنخی که آنها را مطمئن کرد سرقت ساختگی است چه بود؟

به ۳ نفر از خوانندگان که به معمای جنایی ما پاسخ صحیح دهند
به قید قرعه ۳ کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی اهدا خواهد شد.

چند روز قبل به پلیس خبر رسید که سارقان به یکی از خانه‌های مرکز شهر
دستبرد زده‌اند و مقدار زیادی طلا و جواهرات و دلار به سرقت برده‌اند. دقایقی از
اعلام این خبر می‌گذشت که کارآگاهان پلیس خود را به محل حادثه رساندند
و تحقیقات در این باره آغاز شد.

شاکیان، زن و شوهری جوان بودند که در طبقه دوم ساختمانی زندگی
می‌کردند. آنها گفتند به مهمانی رفته بودند اما آخر شب وقتی به خانه برگشتند
متوجه شدند سارق یا سارقان از طریق پنجره اتاق خواب وارد خانه‌شان شده و
اموال با ارزش‌شان را سرقت کرده‌اند. انطور که آنها می‌گفتند ارزش اموال سرقت
شده حدود ۷ میلیارد تومان بود.

مرد جوان به کارآگاهان گفت: مدتی قبل بخشی از پول‌هایی را که در بانک
داشتم به دلار تبدیل کردم و در خانه نگهداری می‌کردم. علاوه بر آن جواهرات
همسرم هم در خانه بود که سارقان همه را سرقت کردند.

کارآگاهان در بررسی‌های میدانی خود به نخستین سرنخ‌ها دست پیدا کردند.

همه چیز در پایان است

مشکوک می‌شود و با دستگیری موقت و آزمایش کردنشان
در برابر شاهد قرار می‌دهد. این مقدمه‌ای است برای ورود به
جهانی که فیلم‌ساز با رفت و برگشت میان گذشته و حال،
طراحی‌اش می‌کند. در نهایت فیلم با انبوهی پیش‌فرض
تماشاگر و پلیس را به دنبال پاسخ به سؤال آشنای «چه کسی
مجرم است؟» می‌فرستد. جایی که برای هر کدام از مظنونین
همیشگی، دلایلی وجود دارد که هم می‌توان متهم‌شان کرد
و هم حکم به تبرئه‌شان داد. مظنونانی که هر کدام برای خود
داستانی دارند و میانشان وربال کینت با بازی کوین اسپسی،
در سیر حوادث و اتفاقات، به‌نظر بی‌گناه می‌رسد. نکته
«مظنونین همیشگی» فقط پایان غیرقابل انتظارش نیست،
شاخصه اثر مسیری است که فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان
برای رسیدن به سکانس پایانی طی می‌کنند و با طراحی
دقیق داستان و روایتی که اصطلاحاً مولای درزش نمی‌رود،
به شکلی مثال‌زدنی، معمارا حل می‌کنند. با یک پایان بسیار
غیرمنتظره که احتمالاً غریب‌ترین پایان بندی هالیوود در
دهه ۹۰ میلادی است.

سعید مروتی، روزنامه‌نگار:

«مظنونین همیشگی»

فیلم پلیسی - معمایی

برایان سینگر، همچنان با

پایان غیرمنتظره‌اش به یاد آورده می‌شود. در انتهای فیلم

«کازابلانکا» (مایکل کورنیس، ۱۹۴۲) وقتی ریک، افسر

آلمانی را از پارمی آورد، سرباز فرانسوی از سروان رنو

می‌پرسد که برای پرونده قتل افسر آلمانی چه کسانی

را دستگیر کنند و با این پاسخ مواجه می‌شود: «بروید

سراغ مظنونین همیشگی». بیش از نیم‌قرن بعد وقتی

برایان سینگر سراغ ساخت فیلمی پلیسی رفت، نام اثرش

را از این دیالوگ معروف سروان رنو در کازابلانکا انتخاب

کرد. «مظنونین همیشگی» با فیلمنامه‌ای که سال‌هاست

در کلاس‌های فیلم‌نامه‌نویسی تدریس می‌شود، روایتی

دقیق و مهندسی شده از معمایی است که پلیس به دنبال

حل کردنش است. فیلم، دربارهٔ اخلاق‌فکار است که پلیس

پس از رخ دادن یک سرقت، به‌صورت پیش‌فرض به آنها



فیلم
جنایی

نجواگر

علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار: کتاب «نجواگر» به

قلم الکس نورث، نویسنده مطرح ژانر پلیسی با ترجمه

میلااد بابانژاد و الهه مرادی از سوی نشر نون منتشر شده

است. نورث داستان گرفتار شدن یک پدر و پسر در

پرونده قدیمی قاتلی زنجیره‌ای را روایت می‌کند که تا پیش از روبرو شدن یک پسر بچه،

به شکلی عادی زندگی می‌کردند اما وقوع چند ماجرا همه‌چیز را تغییر می‌دهد و پای

آنها را به تحقیقاتی پیچیده و مخوف

می‌کشاند. این کتاب که نامزد جایزه

گودریدز شده، توانسته با محتوای

روانکاوانه خود، خواننده را در تعلیقی

جذاب نگاه دارد. شاید ترسناک‌ترین

کابوس هر پدر و مادری روبرو شدن

فرزندشان توسط فردی ناشناس باشد.

اما از لحاظ آثاری، این اتفاق کمتر

رخ می‌دهد و بچه‌ها بیشتر از جانب

نزدیکانشان آسیب می‌بینند. اگر چه

دنیای بیرون تهدیدآمیز به‌نظر می‌رسد،

اما واقعیت این است که افراد بسیار کمی

جرم کودکان را از آرم‌بایی را مرتکب

می‌شوند. این شروع کتاب نجواگر است

که استیو کاوانا، از منتقدان آثار جنایی

از این اثر به‌عنوان بهترین رمان جنایی

دهه‌های اخیر یاد می‌کند. خط اصلی این داستان واقعه روبرو شدن یک پسر بچه ۶ ساله

است که ماجراهایی عجیبی را به همراه می‌آورد و با ورود پلیس و پیچیده شدن ماجرا به اوج

هیجان و ماجراجویی می‌رسد. درست زمانی که تام کندی یکی از شخصیت‌های اصلی رمان

نجواگر پس از مرگ ناگهانی همسرش تصمیم می‌گیرد که یک شروع تازه داشته باشد و به

پسرش جیک کمک کند تا زخم‌هایش را التیام بخشد. اتفاقات عجیب آغاز می‌شوند. آغازی

که قرار بود در شهری جدید و خانه‌ای جدید رقم بخورد اما این شهر جدید تاریخ تاریکی

دارد. گزارش‌ها حاکی از این است که چندین سال پیش، یک قاتل زنجیره‌ای با نجواهایی

شبانه تعدادی از مردم شهر را می‌رباید و به قتل می‌رساند. کتاب حاضر علاوه بر ایجاد حس

وحشت، خواننده را با مضامین روانشناسانه و احساساتی چون غم، عشق و از دست دادن

مواجه می‌کند و از این جهت به ماجراهایی داستان از جنبه‌های مختلف می‌نگرد.



کتاب
پلیسی

